

مدیریت ورزشی _ زمستان 1389
شماره 7- صص : 23-5
تاریخ دریافت : 88 / 10 / 14
تاریخ تصویب : 89 / 06 / 24

نقش هدف‌گرایی و هویت اخلاقی در پیش‌بینی کارکردهای اخلاقی مثبت و منفی در فوتبال

1. محمد کشتی‌دار¹ - 2. محمد جهانگیری - 3. محمد رحیمی

1. عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند، 2. کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی (دانشگاه بیرجند)

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی تأثیرات هدف‌گرایی و هویت اخلاقی بر رفتار و قضاوت مثبت و اجتماعی‌ستیز در فوتبال بود. به همین منظور 268 فوتبالیست به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های درک موفقیت، خودستایی هویت اخلاقی، کارکرد اجتماعی مفید و جامعه‌ستیز و تمایل اجتماعی و در تحلیل داده‌ها نیز از همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تأثیرات اصلی خودمحوری و هویت اخلاقی در تبیین رفتار و قضاوت مثبت اجتماعی معنی‌دار نیست. اثر متقابل بین خودمحوری و تکلیف‌محوری در ارتباط با قضاوت اخلاقی مثبت معنی‌دار بود ($p < 0/05$). هدف‌گرایی و هویت اخلاقی 7 درصد از واریانس قضاوت اجتماعی‌ستیز و 17 درصد از واریانس رفتار اجتماعی‌ستیز را تبیین می‌کنند. نتایج تحقیق حاضر بر اهمیت ارزیابی تأثیرات متقابل بین تکلیف‌محوری و خودمحوری در پیش‌بینی متغیرهای اخلاقی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی

کارکردهای اجتماعی مثبت و منفی، هدف‌گرایی، هویت اخلاقی، فوتبال.

مقدمه

اخلاق، سازه‌ جداناپذیری از زندگی انسان است. فارغ از هر نژاد، فرهنگ، سیاست و طبقه اجتماعی، مسائل اخلاقی نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌کنند. آرنولد¹ (1994)، می‌گوید اخلاق یعنی اینکه برای دیگران نیز همانند خود اهمیت قائل شده و بین خوب و بد و درست و غلط نیز تمایز قائل شویم (3). هرچند مفهوم اخلاق اغلب مفهومی شناخته‌شده است، اما یکی از زمینه‌های ویژه‌ای که اهمیت و ارزش اخلاق نمود خاصی پیدا می‌کند، ورزش است. به‌طور سنتی ورزش منادی رشد و تکامل منش بوده و از همین رو ذاتاً با اخلاق عجین شده است. با وجود چنین اعتقادی، امروزه رفتارهای زنده‌های در محیط‌های ورزشی به چشم می‌خورد. تحقیق در زمینه این دو بعد رفتاری مثبت و منفی به یکی از برجسته‌ترین رویکردهای تحقیقی در روان‌شناسی ورزشی تبدیل شده است. در آغاز بیشتر این تحقیقات بر متغیرهای اخلاقی منفی چون بازی ناجوانمردانه و رفتارهای تهاجمی متمرکز بود اما اخیراً بر جنبه‌های مثبت اخلاق مانند مردانگی نیز توجه زیادی می‌شود. این رویکرد به فهم بهتر جنبه‌های دوگانه اخلاق در ورزش کمک شایانی خواهد کرد. اکنون تحقیقات بیشتر بر این موضوع تمرکز یافته‌اند که چرا قضاوت‌ها و رفتارهای اخلاقی خاص روی می‌دهند؟ در این زمینه رویکردهای نظری مختلفی ارائه شده است. یکی از دیدگاه‌های مهم نظریه یادگیری اجتماعی است. طرفداران این دیدگاه، رفتار اخلاقی را به‌عنوان عملی تعریف می‌کنند که با هنجارهای اجتماعی مطابقت دارد و از طریق تعامل با مؤسسات اجتماعی یاد گرفته می‌شود. باوجود نوشته‌های مختلف در مورد نظریه یادگیری اجتماعی و اخلاق، تحقیق در حیطه اخلاقی بسیار نادر است، تا آنجا که کارلو² پیشینه تحقیقی در این حیطه را شبیه مرحله رویانی می‌داند (1).

دومین نظریه مهم در این زمینه، نظریه رشدی - ساختاری است. طرفداران این دیدگاه بر خلاف دیدگاه یادگیری اجتماعی، بیشتر بر نوع استدلال و قضاوت افراد در مورد رفتار علاقه‌مندند. این دیدگاه اخلاق را بر حسب قضاوت‌های تناسب رفتاری تعریف می‌کند (5). تحقیقات مختلفی بر اساس این رویکرد و با توجه به سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، بهره هوشی و تحصیل و بزهکاری انجام گرفته است (18). سومین رویکرد در این زمینه، نظریه شناختی اجتماعی نام گرفته است. این رویکرد با دربرداشتن عوامل رفتاری و محیطی نظریه یادگیری اجتماعی و همچنین عوامل شخصی مدل رشدی ساختاری از طرف دیگر، رویکردی

1 - Arnold

2 - Curlowe

جامع به‌نظر می‌رسد. در این رویکرد مجادله بر سر این است که عوامل شخصی، تأثیرات محیطی و رفتار اخلاقی کارکرد متقابلی دارند که به ایجاب سه‌گانه معروف است (4).

به علت اختلاف‌نظر در مورد فضیلت یا بعد منفی ورزش، نظریه‌های اخلاقی شناخته‌شده‌ای ارائه شده‌اند. امثال و حکم قدیمی ورزش را شخصیت‌ساز تلقی می‌کنند. از لحاظ تاریخی و سنتی، ورزش تقویت‌کننده فضایل اخلاقی چون احترام، وفاداری، وظیفه‌شناسی و همکاری است؛ اما از دهه 1970 به بعد بیشتر تحقیقات نشان دادند که اغلب منش‌هایی در ورزش توسعه یافته‌اند که بیشتر در زمره اختلال‌های منشی محسوب می‌شوند (3). تحقیقات اخیر در مورد ورزشکاران جوان، والدین آنها و مربیان نشان داده‌اند که مسائل اخلاقی مهمی در برنامه‌های ورزشی جوانان آمریکای شمالی وجود دارد (32). نتایج نشان داد که 10 درصد ورزشکاران رفتار فریب‌دانه، 13 درصد آسیب‌زدن عمدی و 31 درصد مشاجره با داور و 13 درصد تمسخر بازیکنان ضعیف‌تر را از خود نشان می‌دهند. ماهیت ورزش احتمالاً از ارزش‌های سنتی آن فاصله گرفته و این موضوع به‌ویژه در فوتبال نمود بیشتری یافته است. امروزه اعتقاد بر این است که ورزش در سرآشینی اخلاقی قرار گرفته است. بروز و ارتکاب رفتارهای نامناسب موضوعی قابل توجه است، اما برای روان‌شناسان ورزش، دلیل ارتکاب چنین رفتارها و اعمالی توسط ورزشکاران است. در زمینه نقش متغیرهای فردی و محیطی در مسائل اخلاقی با استفاده از نظریه شناختی - اجتماعی تحقیقاتی انجام گرفته است. تفاوت‌های فردی در انگیزش و اهمیت اخلاق در همانندی دو عامل شخصی مفروض در تحقیقات بوده است. هرچند اهمیت اخلاق در همانندی در این تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته، اما تفاوت‌های فردی در انگیزش قویاً با متغیرهای اخلاقی - رفتاری و شناختی مرتبط است (15)، (34). تحقیقات جدیدتر همراه با مد نظر قرار دادن متغیرهای انگیزشی، بیشتر به بررسی ارتباط عوامل انگیزشی محیطی - اجتماعی با رفتار اخلاقی و جوانمردی پرداخته‌اند (11، 13). در واقع، سیر تحقیقی از بررسی وضعیت اخلاق در ورزش به بررسی شاخص‌های پیش‌بین متغیرهای اخلاقی تغییرجهت داده است. تلاش‌های انجام گرفته در مورد چرایی رفتارهای خوب و بد، به سبب عظیمی از تحقیقات در زمینه ارتباط اخلاق و سازه‌های انگیزشی منجر شده است. اما از مفاهیمی که در زمینه هویت اخلاقی در ورزش کمتر به آن توجه شده، مفهوم خودپنداره است. بدون خودپنداره، تفکر اخلاقی الزاماً به رفتار اخلاقی نمی‌انجامد (2). بلاسی¹، هویت اخلاقی را در قالب

مجموعه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی می‌داند که در محتوا و اهمیت از فردی به فرد دیگر متفاوت است و در واقع نوعی سازوکار خودتنظیمی است که موجب تحریک عمل اخلاقی می‌شود. از دیدگاهی دیگر، هویت اخلاقی را می‌توان جزیی از ساختار فردی تعریف کرد (31).

بیشتر تحقیقاتی که موضوعات اخلاقی را در ورزش بررسی کرده‌اند، بر جنبه‌های منفی اخلاق متمرکز شده‌اند. موضوعاتی چون تهاجم و پرخاشگری به حریف مقابل، بازی ناجوانمردانه و مشروعیت ادراکی رفتار تهاجمی و تأیید اعمال پرخاشگرانه از این جمله‌اند (8، 34، 33). تحقیقات در زمینه قضاوت، نیت و رفتار به عنوان شاخص‌های کارکرد اخلاقی، پاسخ‌های ورزشکاران به موقعیت‌های مرتبط با رفتار پرخاشگری یا فریب دادن را بررسی و سطوح بالایی از کارکرد اخلاقی را از نمره‌های پایین این مقادیر استنباط کرده‌اند (14). بررسی جنبه‌های منفی اخلاق هرچند مهم است؛ اما از ایده ورزش به‌عنوان ابزاری برای رشد منش حمایت نمی‌کند، از این‌رو بررسی جنبه‌های مثبت اخلاق در ورزش هم تعیین‌کننده است. یکی از جنبه‌های اخلاقی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، رفتارهای مثبت اجتماعی‌پسند است. این رفتارها را می‌توان به‌عنوان رفتارهایی تعریف کرد که با هدف کمک و مفید بودن برای دیگران انجام می‌شوند، مانند کمک به بازیکن حریف هنگام بلند شدن از زمین، تبریک گفتن به حریف به دلیل بازی خوبش که در مقابل رفتارهای اجتماعی‌ستیز چون فریب داور یا خطای عمدی قرار دارند (10). علاوه بر بررسی رفتارهای اجتماعی مثبت و منفی، قضاوت‌های اخلاقی نیز در این تحقیق بررسی می‌شوند. این قضاوت‌ها نیز شامل دو بعد مثبت و منفی است. در تحقیقات گذشته بین این دو بعد تمایزی قائل نشده‌اند (23).

آیزنبرگ (1986)، از اهداف شخصی و همانندی به‌عنوان متغیرهای شخصی تأثیرگذار در رفتار مثبت نام می‌برد. در تحقیقات اخلاق ورزشی، این دو متغیر از مؤلفه‌های مهم در خودساختاری هستند. خودساختاری، سیستم ادراکی روانی است که افراد از طریق آن ارزش و هویت خودشان را ادراک می‌کنند (31). در سطوح پیچیده‌تر، خودساختاری به دو بعد کاهش یافته و اولویت‌های اخلاقی را در تعارض ارزش‌ها تعیین می‌کند که به ویژگی‌های همانندی و اهداف شخصی آیزنبرگ شباهت دارد. این ابعاد شامل هدف‌گرایی انگیزشی و هویت اخلاقی می‌باشند. مدل رفتار مثبت اجتماعی آیزنبرگ دربرگیرنده مفهوم کلی اهداف شخصی است، اما در تحقیقات ورزشی اهداف از رویکرد دیدگاه هدف پیشرفت بررسی می‌شوند. تأکید اصلی این رویکرد این است که

افراد تحریک می‌شوند تا لیاقت خود را نشان دهند. این فرآیند از دو نوع جهت‌گیری خودمحور و تکلیف‌محور حاصل می‌شود. زمانی که خودمحوری غالب باشد اجرای برتر و برتری بر دیگران مورد تأکید قرار می‌گیرد در حالی که هنگام تکلیف‌محوری، بهبود مهارت و تجربیات ورزشی درونی ملاک قرار می‌گیرد. هنگامی که تکلیف‌محوری غالب باشد، افراد به احتمال زیاد، به رفتار و بازی جوانمردانه بیشتر اهمیت می‌دهند (7). برای مثال در تحقیقات مختلف بین خودمحوری با مشروع دانستن رفتار پرخاشگرانه و تأیید رفتار فریب دادن در میان بازیکنان بسکتبال (15)، مشروعیت بازی ناجوانمردانه در میان دانشجویان تربیت بدنی و تأیید رفتار فریب دادن و بردگرایی در ورزشکاران جوان همبستگی معنی‌داری به‌دست آمده است (19، 34). همچنین خودمحوری با سطوح پایین قضاوت اخلاقی، قصد و رفتار در ورزشکاران دانشگاهی ارتباط معنی‌داری داشته است (14). از طرف دیگر، در تحقیقات دیگر بین خودمحوری و احتمال رفتار پرخاشگرانه با بازیکن حریف در فوتبال‌بالیست‌های جوان و بازیکنان بسکتبال رابطه معنی‌داری مشاهده نشد (34). لیمر و همکاران (2004)، نیز رابطه‌ای منفی بین خودمحوری و برخی از ابعاد ورزشکارگرایی مشاهده کردند. در این تحقیق، تکلیف‌محوری شاخص پیش‌بین مثبتی از برخی جهت‌گیری‌های ورزشکارگرایی داشت و رابطه‌ای منفی با نگرش‌های ناجوانمردانه نشان داد (20). در حالی که در این تحقیقات هیچ رابطه معنی‌داری بین تکلیف‌محوری و قضاوت‌های مشروع، احتمال پرخاشگری به بازیکن حریف و کارکرد اخلاقی مشاهده نشد. به نظر نیکولز (1989)، هدف‌گرایی مفهومی متعامد است، یعنی فرد می‌تواند در یک بعد بالا و در دیگری پایین، در هر دو بالا یا در هر دو بعد دارای مقادیر پایینی باشد (22). بنابراین بررسی تأثیرات متقابل بین آن دو مهم است، به‌گونه‌ای که اثر متقابل معنی‌داری بین خود و تکلیف‌محوری در پیش‌بینی نوع نگرش به موفقیت ورزشی مشاهده شده است (25). این موضوع در ارتباط با متغیرهای اخلاقی در ورزش بسیار کم بررسی شده است. دان و همکاران (2000)، نشان دادند که ترکیبی از تکلیف‌محوری پایین و خودمحوری بالا الگوی انگیزشی زبان‌آوری برای ورزشکارگرایی است، در حالی که عکس این حالت در خصوص ورزشکارگرایی بسیار سودمند است (8).

یکی از متغیرهایی که هنوز در ارتباط با اخلاق در ورزش بررسی نشده است، هویت اخلاقی می‌باشد. هویت اخلاقی را می‌توان در قالب نوعی تعهد به احساس فردی برای مجموعه‌ای از اعمال و رفتارها دانست که موجب ارتقای سطح رفاه و شادکامی دیگران می‌شود و بازتابی از اهمیت مجموعه‌ای از خصوصیات اخلاقی برای خود فرد

است (9). هویت اخلاقی در واقع نوعی سازوکار است که عمل اخلاقی را تحریک می‌کند و به‌عنوان دومین بعد خودساختاری با ایده شیلد و بردمیر¹ ارتباط دارد. به‌نظر بلاسی حتی اگر هیچ‌گونه همپوشانی در خصوصیات اخلاقی که یک هویت اخلاقی منحصر به فردی را شکل می‌دهد، وجود نداشته باشد؛ اما مجموعه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی مشترک وجود دارد که چارچوب و بنیان اخلاقی فرد است. براساس همین رویکرد نظری بلاسی، آکوئنو و رید² (2003)، نه ویژگی اخلاقی (مانند دلسوزی و مهربانی، ترحم، عدالت، انصاف و...) را شناسایی کردند. فرض دوم بلاسی این بود که اخلاقی بودن به میزان متفاوتی از اهمیت خودپنداره فرد وابسته است. در همین زمینه آکوئنو و رید، شواهدی در تأیید این فرضیه ارائه کردند. آنها دریافتند با نمره‌گذاری ویژگی‌های نه‌گانه اخلاقی به ترتیب اهمیت، مشخص خواهد شد که برخی افراد در مقایسه با بعضی دیگر از بنیان اخلاقی بیشتری برخوردارند (2).

همسو با فرضیات بلاسی، در زمینه هویت اخلاقی دو بعد دیگر نیز شناخته شده است؛ بعد درونی (شخصی) به میزان نقش اساسی ویژگی‌های اخلاقی در خودپنداره و بعد نمادی (عمومی) به میزان نمود این ویژگی‌ها در دنیای واقعی اشاره می‌کند. آکوئنو و رید، نشان دادند که هر دو بعد رفتار داوطلبانه را پیش‌بینی می‌کنند، اما تنها بعد درونی است که رفتار بخشش واقعی را در میان دانشجویان تبیین می‌کند (2). همچنین خودستایی بالای هویت اخلاقی درونی، همبستگی مثبتی با چرخه وسیعی از ویژگی‌های اخلاقی چون احترام به اعضای گروه، ارزیابی مطلوب‌تر از یک تلاش گروهی داوطلبانه و بخشش مالی دارد (2). به علت ارتباط مبهم و بسیار ضعیف بعد نمادی در محیط فوتبال، در این تحقیق تنها به بعد درونی توجه می‌شود (28). بنابراین هدف از این تحقیق، بررسی نقش هدف‌گرایی و هویت اخلاقی و همچنین اثر متقابل بین دو نوع هدف‌گرایی تکلیف‌گرا و خودمحور در تبیین کارکردهای مثبت و منفی (مانند رفتار و قضاوت) در میان بازیکنان فوتبال است. با توجه به تحقیقات قبلی، فرضیات زیر مدنظر است:

1- هدف‌گرایی خودمحور شاخص پیش‌بین مثبتی از کارکردهای منفی است؛

1 - Shields, Bredemeier

2 - Aquino, K., & Reed

2- اهمیت هویت اخلاقی شاخص پیش‌بین مثبتی از کارکردهای مثبت و شاخص پیش‌بین منفی‌ای از کارکردهای منفی است. از طرف دیگر، چون تحقیقات گذشته در مورد هدف‌گرایی تکلیف‌محور به نتایج متناقضی انجامیده است، از این‌رو در مورد تکلیف‌محوری پیش‌بینی دقیقی نمی‌توان مفروض داشت.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق بازیکنان لیگ دسته یک فوتبال کشور در سال 88-87 بودند (حدود 588 نفر). با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی 268 نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. میانگین سنی بازیکنان حدود 25 ± 6 سال و تجربه رقابتی بازیکنان نیز بین 7 تا 18 سال متغیر بود. برای گردآوری داده‌ها از چهار پرسشنامه استفاده شد. هدف‌گرایی تکلیف‌محور و خودمحور با استفاده از پرسشنامه درک موفقیت¹ رابرت و همکاران (1998) ارزیابی شد. این پرسشنامه 12 موردی شامل دو زیرمؤلفه 6 گزینه‌ای است که با مقیاس لیکرت 5 امتیازی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم ارزش‌گذاری شده است (25). بعد درونی مقیاس خودستایی هویت اخلاقی² آکوئو و رید (2002)، برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه دارای 9 ویژگی اخلاقی (خونگرم، غمخوار، منصف، دوستانه، بخشنده، حامی، سختکوش، مورد اعتماد و بامحبت) است که برای هر ویژگی در 5 حالت مختلف پاسخ داده می‌شود. این پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت 5 امتیازی نمره-گذاری می‌شود (2). رفتار و قضاوت مثبت و منفی با استفاده از پرسشنامه سیچ و همکاران (2006) ارزیابی شد. به‌منظور بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه اصلی که شامل 21 مورد در هر کدام از ابعاد رفتاری و قضاوتی بود. نحوه روایی سنجی پرسشنامه 21 موری سیچ و همکاران (2006)، بدین شکل بود که ابتدا این پرسشنامه در بین 60 فوتبالیست شاغل در لیگ‌های دسته اول و دوم قرار گرفت و از آنها خواسته شد که با توجه به تعریف ارائه شده از رفتارهای مثبت و اجتماعی‌ستیز، این موارد 21‌گانه را در یکی از این دو دسته قرار دهند. ضمن اینکه به‌طور همزمان نسخه‌ای از پرسشنامه نیز در اختیار یک روان‌شناس ورزشی قرار گرفت. بعد از گردآوری پرسشنامه‌ها، برای ترکیب دو مؤلفه رفتاری و قضاوتی در قالب یک شاخص مشترک و به‌منظور سنجش روایی

1 - Perception of Success Questionnaire

2 - The internalization dimension of the Self-Importance of Moral Identity Scale

آن، از شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. نتایج نشان داد که از 21 گزینه پیشنهادی مقیاس اصلی، 4 مورد برای سنجش رفتارهای مفید و مثبت و 7 مورد برای سنجش رفتارهای اجتماعی‌ستیز مناسبند. نتایج آلفای کرونباخ (در مؤلفه قضاوتی: بعد مثبت و مفید 0/69 و بعد جامعه‌ستیز: 0/81، در مؤلفه رفتاری: بعد جامعه‌ستیز 0/79 و بعد مفید: 0/67) نیز نشان داد که مقیاس مورد نظر از روایی قابل قبولی برخوردار است.

براساس تحقیقات قبلی از بازیکنان خواسته شد تا به این صورت به پرسش‌ها پاسخ دهند که در طول فصل چقدر این رفتارها از آنها سر می‌زند؟ سؤالات براساس لیکرت 6 امتیازی نمره‌گذاری می‌شود. قضاوت‌های مثبت و منفی نیز مشابه رفتارهای مثبت و منفی اندازه‌گیری شد. از بازیکنان خواسته شد تا به پرسش‌ها این‌گونه پاسخ دهند که آنها فکر می‌کنند چقدر این رفتارها مناسب فوتبال هستند؟ از لیکرت 6 امتیازی در نمره‌گذاری سؤالات استفاده شد (28). اعتقاد بر این است که افراد شاید در حین پاسخ دادن به متغیرهای اخلاقی، خودشان را از منظر رفتار مطلوب تجسم و توصیف کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که برای جلوگیری از هر نوع آثار سوءگیری احتمالی، از مقیاس تمایل اجتماعی استفاده شود. به همین منظور از نسخه کوتاه‌مقیاس تمایل اجتماعی¹ مارلوو - کراون (1960)، برای بررسی چگونگی ارزیابی و برداشت نگرش‌های مطلوب اجتماعی استفاده شد. این مقیاس شامل 10 مورد بوده و نوع پاسخ‌دهی به آن از نوع صحیح - غلط است. میانگین نمره‌های حاصله در دامنه‌ای بین صفر تا 10 است (6). مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی پرسشنامه‌ها در جدول 1 آمده است. گردآوری داده‌ها در سه ماه آخر فصل مسابقات انجام گرفت. پرسشنامه‌ها در اختیار بازیکنان قرار گرفت و از آنها خواسته شد به پرسش‌های تحقیق با صداقت پاسخ دهند. از 268 پرسشنامه توزیعی، 210 پرسشنامه پس گرفته شده و تجزیه و تحلیل شد. در بخش تحلیل آماری از روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی در سطح معنی‌داری 5 درصد استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی و همبستگی پیرسون برای تمامی متغیرها محاسبه شده است (جدول 1).

نقش هدف‌گرایی و هویت اخلاقی در پیش‌بینی کارکردهای اخلاقی مثبت و منفی در فوتبال

با توجه به نتایج بیشتر بازیکنان در طول فصل رفتارهای مثبت از خود نشان می‌دادند. همچنین قضاوت آنها از رفتارهای مثبت اغلب مناسب و مقتضی و از رفتارهای منفی به ندرت مناسب بود. میانگین نمره‌های متغیرهای انگیزشی در بعد خودمحوری متوسط به بالا و در بعد تکلیف‌محوری به نسبت بالا بود، درحالی‌که مقادیر هویت اخلاقی و تمایل اجتماعی در حد متوسط بود. با توجه به نتایج جدول 1 بین متغیرهای اجتماعی مثبت و منفی رابطه منفی مشاهده شد. قضاوت‌های مثبت همبستگی منفی با هر دو متغیر اجتماعی منفی نشان داد، درحالی‌که رفتار مثبت همبستگی منفی با قضاوت منفی داشت. قضاوت‌ها همبستگی مثبت بالایی با رفتارها در هر دو بعد مثبت و منفی نشان داد. خودمحوری رابطه‌ای مثبت با رفتار و قضاوت منفی نشان داد، درحالی‌که هویت اخلاقی همبستگی منفی با متغیرهای اجتماعی منفی داشت. تکلیف‌محوری نیز همبستگی مثبتی با هویت اخلاقی و خودمحوری نشان داد.

جدول 1 - نتایج آمار توصیفی و همبستگی پیرسون برای متغیرهای تحقیق

مقیاس	M ± SD	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1. قضاوت مثبت	3/82±0/86	0/69									
2. رفتار مثبت	3/5±0/86	0/66**	0/62								
3. قضاوت منفی	2/3 ±0/80	-0/21**	0/16*	0/81							
4. رفتار منفی	2/48±0/79	-	-0/12	0/68**	0/79						
5. هویت خلاق	3/82 ±0/57	0/01	0/12	-0/22**	-0/39	0/68					
6. خود محوری	3/76 ±0/77	-0/12	-0/09	0/18**	0/22	0/02	0/84				
7. تکلیف محوری	4/12 ±0/51	0/07	0/05	0/06	-0/03	0/28**	0/20	0/74			
8. سن	25± 6	0/04	0/10	0/16*	-0/20**	0/25**	-0/13	0/01			
9. تمایل اجتماعی	4/59± 2/3	0/00	0/11	0/01	0/11	0/03	0/22**	0/03	0/05	0/65	
10. تجربه بازی	12± 4	0/07	0/06	0/02	0/05	0/08	0/11	0/03	0/58**	0/70	

اما هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش هدف‌گرایی و هویت اخلاقی درونی در پیش‌بینی رفتارها و قضاوت‌های اجتماعی مثبت و منفی بود. به همین منظور از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. هر تحلیل رگرسیون شامل سه مرتبه بود. نتایج جدول 2 نشان می‌دهد که سن، تجربه رقابتی، هویت اخلاقی و هدف‌گرایی شاخص معنی‌داری در پیش‌بینی رفتار و قضاوت مثبت نبودند، اما اثر متقابل بین هدف‌گرایی خودمحور و تکلیف‌محور در قضاوت مثبت معنی‌دار بود ($F=4, P< 0/05, R^2=0/02$)

جدول 2- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی رفتارها و قضاوت‌های مفید اجتماعی

متغیر	B	β	T	ΔR^2
قضاوت مفید اجتماعی				
مرحله 1	سن	0/00	0/35	0/01
	تجربه	-0/10	-0/79	
مرحله 2	سن	-0/00	-0/10	0/03
	تجربه	-0/13	-1/00	
	خودمحوری	-0/15	-1/85	
	تکلیف محوری	0/17	1/31	
	هویت اخلاقی	0/07	0/65	
مرحله 3	سن	-0/00	-0/40	0/02*
	تجربه	-0/13	-1/01	
	خودمحوری	-0/13	-1/60	
	تکلیف محوری	0/19	1/50	
	هویت اخلاقی	0/06	0/55	
R² Total = 0/05				
رفتارهای اجتماعی مثبت یا مفید				
مرحله 1	سن	0/01	1/19	0/01
	تجربه	-0/08	-0/63	
مرحله 2	سن	0/01	0/67	0/02
	تجربه	-0/10	-0/79	

نقش هدف‌گرایی و هویت اخلاقی در پیش‌بینی کارکردهای اخلاقی مثبت و منفی در فوتبال

	-1/21	-0/09	-0/10	خودمحوری	مرحله 3
	0/75	0/06	0/10	تکلیف‌محوری	
	1/17	0/09	0/13	هویت اخلاقی	
0/01	0/46	0/04	0/01	سن	
	-0/79	-0/06	-0/10	تجربه	
	-1/03	-0/07	-0/08	خودمحوری	
	0/88	0/07	0/11	تکلیف‌محوری	
	1/10	0/08	0/12	هویت اخلاقی	
	-1/40	-0/10	-0/21	خودمحوری × تکلیف‌محوری	
R^2 Total = 0/04 , $P < 0/05$ *					

نتایج تحلیل رگرسیون برای ارزیابی شاخص‌های پیش‌بین کارکردهای اجتماعی منفی در جدول 3 آورده شده است.

جدول 3- نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی قضاوت‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی یا منفی

ΔR^2	t	β	B	متغیر	
قضاوت ضد اجتماعی					
0/04*	-1/71	-0/12	-0/02	سن	مرحله 1
	1/86	0/13	0/22	تجربه	
0/07**	-0/70	-0/05	-0/01	سن	مرحله 2
	2/12*	0/15	0/25	تجربه	
	2/63**	0/18	0/19	خودمحوری	
	-0/93	-0/07	-0/11	تکلیف‌محوری	
	-2/52*	-0/18	-0/25	هویت اخلاقی	
R^2 Total = 0/11					
رفتارهای جامعه ستیز					
0/04*	-2/65	-0/19	-0/02	سن	مرحله 1
	-0/99	0/04	0/07	تجربه	
0/17***	0/67	-0/07	-0/01	سن	مرحله 2
	0/78	0/05	0/08	تجربه	
	3/10**	0/20	0/21	خودمحوری	

	0/41	0/03	0/04	تکلیف محوری
	-5/60***	-0/38	-0/52	هویت اخلاقی
$R^2 \text{ Total} = 0/21 \quad P < 0/001^{***}, P < 0/01^{**}, P < 0/05^*$				

میزان تجربه شاخص پیش‌بین معنی‌داری از قضاوت منفی بود که نشان می‌دهد بازیکنان کم‌تجربه به احتمال بیشتری این‌گونه رفتارهای منفی را مناسب و مقتضی تلقی می‌کنند. سن و تجربه رقابتی به طور مشترک 4 درصد از واریانس قضاوت ($F = 4/48$ و $P = 0/01$) و رفتار ($F = 4/51$ و $P = 0/01$) منفی را تبیین می‌کنند. خودمحوری شاخص مثبت معنی‌داری در پیش‌بینی قضاوت و رفتار منفی بود، درحالی‌که هویت اخلاقی درونی‌شده شاخص منفی در تبیین این متغیرها نشان داده شد. اثر متقابل بین هدف‌گرایی تکلیف‌محور و خودمحور در تبیین کارکردهای منفی اخلاقی معنی‌دار نبود. هدف‌گرایی و هویت اخلاقی حدود 7 درصد از واریانس قضاوت ($F = 5/10$, $P < 0/01$) و 17 درصد از واریانس رفتار منفی ($F = 14/28$, $P < 0/01$) را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، بررسی مسائل اخلاقی در ورزش با تمرکز بر جنبه‌های منفی و جامعه‌ستیز اخلاق مانند تمایلات یا رفتار پرخاشگرانه، رفتار ناجوانمردانه و قضاوت‌ها درباره مشروعیت اعمال آسیب‌زا بود. یکی از یافته‌های مهم این است که کارکردهای مثبت و منفی در واقع دو سازه مستقل و جدا از هم هستند، همچنان‌که نتایج همبستگی پایین بین مقیاس‌های مثبت و منفی این مطلب را نشان می‌دهد. تمایز این دو بعد اخلاقی لزوم ارزیابی این سازه‌ها را به صورت جداگانه دوچندان می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تأثیرات اصلی برای هدف‌گرایی و هویت اخلاقی در پیش‌بینی قضاوت و رفتار مثبت معنی‌دار نیست. ضمن اینکه هویت اخلاقی کارکرد مثبت در این گروه از فوتبالیست‌ها را تبیین نمی‌کرد، در پیش‌بینی قضاوت‌های مثبت اثر متقابلی معنی‌داری بین خودمحوری و تکلیف‌محوری مشاهده شد. این اثر متقابل بین این دو نوع هدف‌گرایی نشان می‌دهد که رابطه بین تکلیف‌محوری و قضاوت مثبت بسته به میزان خودمحوری فوتبالیست متغیر است. به طور ویژه،

تکلیف‌محوری شاخص پیش‌بین معنی‌داری از قضاوت مثبت تنها در شرایطی که میزان خودمحوری پایین بود، گزارش شد.

معنی‌دار بودن اثر متقابل بر پیچیدگی رابطه بین هدف‌گرایی و متغیرهای اخلاقی صحنه گذاشته و بیانگر اهمیت تأثیرات متقابل بین تکلیف‌محوری و خودمحوری در تبیین و پیش‌بینی متغیرهای اخلاقی است. تکلیف‌محوری قضاوت مثبت فوتبالیست‌ها را زمانی که خودمحوری‌شان در حد متوسط بود، تبیین نمی‌کرد، اما در شرایط خودمحوری پایین، شاخص معنی‌داری در تبیین آن بود. در تحقیقات گذشته تأثیرات متقابل بررسی نشده بود، نتایج مهم و معنی‌دار برای تکلیف‌محوری احتمالاً به واسطه شرایط خاص بوده است (خودمحوری پایین) (33، 15). همچنین عدم بررسی تأثیرات متقابل شاید بخشی از یافته‌های متناقض در زمینه تکلیف‌محوری و متغیرهای اخلاقی را توجیه می‌کند. فقدان تأثیرات اصلی تکلیف‌محوری در متغیرهای مثبت اجتماعی با ارتباط مثبت گزارش‌شده با بعد ورزشکار دوستی و مردانگی در برخی از تحقیقات (8، 14، 19، 20) هماهنگی دارد. در توجیه این مطلب می‌توان گفت درحالی‌که ورزشکار دوستی دربردارنده مؤلفه‌های کارکرد اجتماعی مثبت است، اغلب این سازه منعکس‌کننده رفتارهای سودمند دوطرفه بوده و مشخصه آن عرف اجتماعی، بازی جوانمردانه، احترام و تعهد به ورزش است. اما به‌طور اختصاصی بیانگر این حقیقت است که رفتار و قضاوت مفید اجتماعی برای حریف سودمند و کمک‌کننده است، به‌گونه‌ای که احتمال بی‌توجهی به علاقه شخصی نیز وجود دارد. چنین رفتاری برای حریف سودمند بوده در صورتی‌که برای تیم خودی نتایج منفی دربردارد (برای مثال، بیرون زدن توپ برای رسیدگی به وضعیت بازیکن مصدوم تیم حریف حتی در شرایطی که تیم مهاجم در موقعیت مناسبی برای زدن گل قرار دارد) (21).

نتایج تحقیقات گذشته در مورد رابطه بین هویت اخلاقی و کارکرد مثبت اجتماعی، در این تحقیق و ورزش فوتبال به‌دست نیامد. دو توضیح در مورد این تناقض می‌توان بیان کرد؛ نخست اینکه تحقیق آکوتنو و رید، در زمینه ورزش نبود. باوجود میزان متوسطی از رفتار و قضاوت مثبت، ورزش فوتبال می‌تواند میزان بالایی از کارکردهای مثبت را که در خارج از ورزش وجود دارد، سرکوب کند. همچنان که در تئوری اخلاق طبقه‌بندی شده آمده است، خصوصیات محیط ورزش، طبقاتی از پسرفت اخلاق ورزشی را شکل می‌دهد که از اخلاق عمومی زندگی عادی جدا می‌شود (32). تغییرپذیری در مقادیر کارکرد مثبت در فوتبال شاید از دامنه نمره‌های

کارکردهای مثبت در محیط‌های دیگر متفاوت باشد و این موضوع توجیهی است برای این مطلب که چرا قضاوت و رفتار مثبت با مقادیر هویت اخلاقی ارتباطی ندارد. توضیح دوم را می‌توان به تفاوت‌های موجود در ابزار اندازه‌گیری متغیرهای مثبت اجتماعی ارجاع داد. درحالی‌که آکونو و رید ارزش ادراکی غذا و پول و بخشش‌های واقعی این منابع به افراد بدبخت را ارزیابی کردند، اما این تحقیق براساس مقیاس تناسب و اقتضای خودسنجی و میزان رفتار در ارتباط با فوتبالیست‌های دیگر پایه‌ریزی شده است. به‌طور کلی هر چند نتایج جالب توجهی به‌دست آمد، اما با توجه به واریانس به نسبت پایین متغیرهای هویت اخلاقی و انگیزشی در تبیین کارکردهای مثبت، واضح است که جنبه‌های دیگری نیز در تعیین کارکردهای مثبت نقش مهمی دارند. ویژگی‌های شخصیتی دیگر چون جامعه‌پذیری، صلاحیت اجتماعی، عزت نفس و تهییج‌پذیری از آن جمله‌اند (10). همچنین شاید متغیرهای محیطی چون جو انگیزشی و اخلاقی در این فرایند تأثیر داشته باشند (16، 33، 34).

همسو با فرضیات و تحقیقات گذشته، خودمحوری شاخص پیش‌بین معنی‌داری از رفتار و قضاوت منفی بود. بنابراین بازیکنان با خودمحوری بالاتر، احتمالاً اعمال منفی را مناسب می‌دانند و رفتارهای منفی چون آسیب رساندن و تلافی کردن را نشان می‌دهند. این یافته‌ها با چارچوب نظری نیکولز مطابقت دارد و نشان می‌دهد افرادی که خودمحوری بالاتر و تمایل ذاتی به برنده شدن دارند، احتمالاً اهمیت و توجهی به عدالت، انصاف و بی‌طرفی نداده و برای رسیدن به موفقیت و برد هر عملی را انجام می‌دهند. رابطه بین خودمحوری و کارکردهای منفی با تحقیقات گذشته همخوانی دارد و نشان می‌دهد که بین خودمحوری، نگرش‌های بازی ناجوانمردانه و مشروعیت اعمال پرخاشگرانه و همچنین قضاوت و نیت اخلاقی رابطه معنی‌داری وجود دارد (7، 15، 17، 29). می‌توان گفت که تعریف موفقیت در قالب برد و باخت مطلق احتمال کارکردهای منفی را افزایش می‌دهد. اثر متقابل بین تکلیف‌محوری و خودمحوری معنی‌دار نبود. به نظر هاردی تأثیرات منفی خودمحوری بر میزان اخلاقیات ممکن است از طریق تکلیف‌محوری تعدیل شود، بنابراین شاید خودمحوری عامل تعیین‌کننده‌ای در رفتار اخلاقی در شرایطی که میزان تکلیف‌محوری بالاست، نباشد (12). هر چند نتایج تحقیق حاضر از این نظریه حمایت نمی‌کند. خودمحوری با هر مقادیری از تکلیف‌محوری، شاخص معنی‌داری در تبیین کارکردهای منفی بود. بنابراین حتی زمانی که فردی بر پیشرفت و اجرای بهتر تأکید دارد، تمایل اولیه بر برنده شدن ممکن است به رفتارهای ناجوانمردانه منجر شود.

نتایج بین تکلیف‌محوری و قضاوت و رفتار منفی معنی‌دار نبود. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات کایسانو و رابرت^۱ و استفنز^۲ مطابقت دارد. از دیدگاه نیکولز، تکلیف‌محوری مستلزم این است که افراد شایستگی و موفقیت خود را با معیارهای خود - مرجع ارزیابی کنند. تمرکز بر پیشرفت فردی و پیگیری ورزش شاید این نکته را که چرا آنها سازه‌های دیگران محور کارکردهای منفی و مثبت را تبیین نمی‌کنند. در بین همه شاخص‌های پیشگو در این تحقیق، بیشترین میزان واریانس در متغیرهای منفی مربوط به هویت اخلاقی بود که به صورت منفی قضاوت‌ها و رفتارهای منفی را تبیین می‌کرد. این نتایج از گمانه‌زنی‌های نظری مبنی بر اینکه اهمیت زیاد هویت اخلاقی با میزان بالاتر قضاوت و رفتار اخلاقی رابطه‌ای مثبت دارد، حمایت می‌کند (2, 24). سطوح بالاتر اخلاق که بیانگر کارکردهای مثبت است، شاید در محیط ورزشی تحریف شود. به هر حال، قضاوت و رفتار منفی ذاتا با مرکزیت اخلاقی و هویت فردی بازیکنان ارتباط دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در ورزش اهمیت بیشتر قائل شدن به اخلاق به بروز افکار و اعمال منفی کمتری منجر خواهد شد.

به طور کلی نتایج این تحقیق یافته‌های جالبی ارائه داد که در فهم بهتر کارکردهای مثبت و منفی در ورزش مؤثر بود، اما این تحقیق تنها شامل فوتبال‌بست‌های مرد بزرگسال بود. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با رویکرد تفاوت‌های جنسیتی، گروه‌های سنی و رشته‌های ورزشی (انفرادی و گروهی) مختلف دنبال شود. همچنین بررسی متغیرهای تأثیرگذار احتمالی دیگر چون تأیید اجتماعی، جو انگیزشی، محیط اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی نقش مؤثری در فهم هرچه بیشتر ماهیت پیچیده کارکردهای اخلاقی در ورزش داشته باشد.

منابع و مآخذ

1. Althof, W., & Berkowitz, M. W. (2007). "Moral education and character education: their relationship and roles in citizenship education". *Journal of Moral Education*, 35, PP: 495- 518.

2. Aquino, K., & Reed, A. (2002). "The self-importance of moral identity". *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, PP:1423-1440.

1 - Kavussanu, & Roberts

2 - Stephens

3. Arnold, P. J. (1994). "Sport and moral education". *Journal of Moral Education*, 23, PP:75-89.
4. Bandura, A. (1991). "Social cognitive theory of moral thought and action. In W. M. Kurtines & J. L. Gewirtz (Eds.), *Handbook of moral behavior and development: Theory research and applications* (Vol. 1, PP: 71-129)
5. Bredemeier, B. J., & Shields, D. L. (1986). "Athletic aggression: An issue of contextual morality". *Sociology of Sport Journal*, 3, PP:15-28.
6. Crowne, D. P., & Marlowe, D. (1960). "A new scale of social desirability independent of psychopathology". *Journal of Consulting Psychology*, 24, PP:349-354.
7. Duda, J. L., Olson, L. K., & Templin, T. J. (1991). "The relationship of task and ego orientation to sportsmanship attitudes and the perceived legitimacy of injurious acts". *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 62, PP:79 – 87.
8. Dunn, J. G. H., & Causgrove-Dunn, J. C. (1999). "Goal orientations, perceptions of aggression, and sportpersonship in elite male ice hockey players". *The Sport Psychologist*, 13, PP:183–200.
9. Ebbeck, V., & Gibbons, S. L. (2003). "Explaining the self-conception of perceived conduct using indicators of moral functioning in physical education". *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 74, PP:284-291.
10. Eisenberg, N., & Fabes, R. A. (1998). "Prosocial development. In N. Eisenberg (Ed.), *Handbook of child psychology*". Vol. 3: *Social, emotional, and personality development* (PP: 701-778). NY: Wiley.
11. Gano-Overway, L. A., Guivernau, M., Magyar, M., Waldron, J. J., & Ewing, M. E. (2005). "Achievement goal perspectives, perceptions of the motivational climate, and sportpersonship: individual and team effects". *Psychology of Sport and Exercise*, 6, PP:215-232.

12. Hardy, L. (1998). "Responses to the reactants on three myths in applied consultancy work". *Journal of Applied Sport Psychology*, 10, PP:212-219.
13. Kavussanu, M. (2006). Motivational predictors of prosocial and antisocial behaviour in football. *Journal of Sports Sciences*, 24, PP:575-588.
14. Kavussanu, M., & Ntoumanis, N. (2003). "Participation in sport and moral functioning: Does ego orientation mediate their relationship"? *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 25, PP:501-518.
15. Kavussanu, M., & Roberts, G. C. (2001). "Moral functioning in sport: An achievement goal perspective". *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 23, PP:37-54.
16. Kavussanu, M., Roberts, G. C., & Ntoumanis, N. (2002). "Contextual influences on moral functioning of college basketball players". *The Sport Psychologist*, 16, PP: 347-367.
17. Kavussanu, M., & Spray, C.M. (2006). "Contextual influences on moral functioning of male youth footballers". *The Sport Psychologist*, 20, PP:1-23.
18. Krettenauer, T., & Eichler, D (2007). "Adolescents' self-attributed moral emotions following a moral transgression: Relations with delinquency, confidence in moral judgment and age". *British Journal of Developmental Psychology*, 24, PP:489-506.
19. Lee, M. J., Whitehead, J., Ntoumanis, N., & Hatzigeorgiadis, A. (2001). "Goal orientations as mediators of the influence of values on sporting attitudes in young athletes". In A. Papaioannou, M. Goudas, & Y. Theodorakis (Eds.), *The dawn of a new millennium: 10th World Congress of Sport Psychology*, Skiathos, Greece, PP:193-194.
20. Lemyre, P. N., Roberts, G. C., & Ommundsen, Y. (2004). "Achievement goal orientations, perceived ability, and sportpersonship in youth soccer". *Journal of Applied Sport Psychology*, 14, PP:120-136.

21. Miller, B.W., Roberts, G.C., & Ommundsen, Y. (2004). "Effect of motivational climate on sportpersonship among competitive youth male and female football players". *Scandinavian Journal of Medicine and Science in Sports*, 14, PP:193-202.
22. Nicholls, J. G. (1989). "The competitive ethos and democratic education". Cambridge, MA: Harvard University Press.
23. Ommundsen, Y., Roberts, G. C., Lemyre, P. N., & Treasure, D. (2003). "Perceived motivational climate in male youth soccer: Relations to social-moral functioning, sportpersonship and team norm perceptions". *Psychology of Sport and Exercise*, 4, PP:397-413.
24. Reed, A., & Aquino, K. (2003). "Moral identity and the expanding circle of moral regard toward out-groups". *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, PP: 1270-1286.
25. Roberts, G. C., Treasure, D.C., & Balague, G. (1998). "Achievement goals in sport: The development and validation of the perception of success questionnaire". *Journal of Sports Science*, 16, PP:337-347.
26. Roberts, G. C., Treasure, D. C., & Kavussanu, M. (1996). "Orthogonality of achievement goals and its relationship to beliefs about success and satisfaction in sport". *The Sport Psychologist*, 10, PP:398-408.
27. Sage, L. (2006). "Predictors of moral behaviors in football". University of Birmingham.
28. Sage, L., Kavussanu, M., & Duda, J. L. (2006). "Goal orientations and moral identity as predictors of prosocial and antisocial functioning in male association football players". *Journal of Sports Sciences*, 24, PP: 455-466.
29. Sage, L., & Kavussanu, M. (2007). "The effects of goal involvement on moral behavior in an experimentally manipulated competitive setting". *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 29, PP:190-207.

30. Shields, D. L. L., & Bredemeier, B. J. L. (1995). "Character development and physical activity". *Champaign, IL: Human Kinetics*
31. Shields, D. L., Bredemeier, B. L., LaVoi, N. M., & Power, F. C. (2006). "The sport behavior of youth, parents, and coaches: The good, the bad, and the ugly". *Journal of Research in Character Education, 3*, PP: 43-59.
32. Stephens, D. E. (2000). "Predictors of likelihood to aggress in youth soccer: An examination of co-ed and all girls' teams". *The Journal of Sport Behavior, 23*, PP:311-325.
33. Stephens, D. E. (2002). "Predictors of aggressive tendencies in girls' basketball: An examination of beginning and advanced participants in a summer skills camp". *Research Quarterly for Exercise and Sport, 72*, PP:257-266.
34. Stuntz, C. P., & Weiss, M. R. (2003). "Influence of social goal orientations and peers on unsportsmanlike play". *Research Quarterly for Exercise and Sport, 74*, PP:421-435.